

نمی شود. به نظرمی رسد آمریکا نمی تواند هیچ طرف دیگری را به جز خودش بپذیرد. همین امر ممکن است به فروپاشی آن بیانجامد. ایجاد دیواری از نفرت و تعصب به طور قطع سودی در پی نخواهد داشت.

پایان؛ امروز افغانستان

مسیری که وضعیت سیاسی افغانستان در حال حرکت در آن است، همچنان مبهم باقی خواهد ماند. با رفتن جورج بوش و روی کار آمدن باراک اوباما، امید برخی از افغانستانی ها تقویت شد، اما وضعیت در سطح منطقه پیچیده تر شد و آمریکا، زمانی که با هدف انتقام جویی به افغانستان حمله کرد، دیگر آن آمریکای ۲۰۰۱ نبود. نگاه به آمریکا عوض شده و اکنون آمریکا به نقض قوانین، نقض حقوق بشر و برانگیختن نفرت مشهور شده است. آمریکا شاهد رشد اقتصادی بوده و نرخ بیکاری و قیمت ها شاهد افزایش قابل ملاحظه است.

با وجود این چالش ها، راهبرد سیاسی رئیس جمهور اوباما همچنان بر این فرض استوار است که آمریکا بهترین کشور جهان است. این یک بیماری لاعلاج است. افغانستان به بیشترین کشور در تحمل آزار و اذیت در جهان تبدیل شده است. اما افغانستانی ها بی سرو صدا در حال گرفتن انتقام هستند، حتی اگر به قیمت جان آنها تمام شود. وضعیت امنیتی افغانستان در حال حاضر روز به روز وخیم تر می شود. تجاوز گران خارجی و مقامات افغانستان کنترل اوضاع را از دست داده اند و زندگی در روستاها و محله ها برای مردم به ویژه بازرگانان، دامپروران یا کسانی که دارایی دیگری دارند، دشوارتر می شود. چرا که مردم احساس امنیت نمی کنند و در نتیجه به سرمایه گذاری در خارج از کشور پناه می آورند. به نظر من راه حل، در بازنگری آمریکا نسبت به سیاست جنگی خود نهفته است. باید به جای جنگ تلاش برای صلح آغاز شود. اغلب نادیده گرفته می شود که این مردم افغانستان هستند که رنج می برند. آمریکایی ها باید بدانند که جایگاه ملتی که حامی آزادی و دموکراسی هستند را از دست داده اند و در عوض به عنوان پراکنده کننده بذر نفرت در سراسر جهان شناخته شده اند.

ما آمریکا را از رویاری با خودمان بر حذر می داریم. با وجود گرسنگی، فقر و زندگی در میان آوار و با وجود اقتصاد ضعیفی که داریم، اما ایدئولوژی افغانستان فروشی نیست. هیچ راه حل آسانی در افغانستان وجود ندارد و آمریکا نمی تواند مشکلات را از طریق شبه نظامیان قبيله ای حل کند. آمریکا باید با افغانستان به عنوان یک کشور مستقل رفتار کند و حقوق آن را زیر پا نگذارد. آنچه افغانستانی ها به آن نیاز دارند، وحدت است. افغانستانی ها باید بدانند که مرگ آنها تنها به خودشان آسیب می رساند. هیچ کس برای آنها نخواهد گریست، بلکه برخی از خبر مرگ آنها نیز خوشحال خواهند شد.

بار دیگر سرزمین های افغانستان شاهد ورود تعداد زیادی از نیروها برای حل مشکلی خواهد بود که بخشی از آن مشکل خود آنها هستند. تا چه زمانی خارجی ها که با ما و فرهنگ ما بیگانه هستند، برای حل مشکلات ما تلاش خواهند کرد؟ و مردم افغانستان تا چه زمانی منتظر و صبور خواهند بود؟ فقط خداوند می داند. یک بار دیگر برای صلح و برای کشورم افغانستان دعا می کنم.

پی نوشت:

۱- اصالت ما، قندهار نیست.
در روستایی مادری من یعنی
جلدک (روستایی در زابل)
مناره ای بر سر مالکیت زمین
رخ داد که منجر شد یکی از
عموهایم متهم به قتل شود.
خانواده من نیز به دلیل ترسی
که از انتقام متقابل داشتند به
زنگی آباد آمدند.